

حوادث ۱۹ خرداد

تلنگر

مرگ گردشگر در جزیره هرمز

گردشگر ۲۲ ساله که به ارتفاعات کوهستانی رفته بود از کوهی در جزیره هرمز سقوط کرد و کشته شد. سیدمجدالدین حسینی، بخشدار جزیره هرمز به فارس گفت: این گردشگر ۲۲ ساله، ساکن سیرجان که به ارتفاعات کوهستانی حوالی منطقه دره سفید جزیره هرمز رفته بود عصر شنبه از ارتفاعات کوهستانی سقوط کرده و کشته شد.

تخریب خودروهای مردم برای قدرت‌نمایی

شروع محله نارمک که برای قدرت‌نمایی خودروهای پارك شده در خیابان را تخریب می‌کرد، بازداشت شد. سرهنگ نجم‌الدین رشیدی، رئیس پایگاه چهارم پلیس امنیت عمومی پایتخت به جام‌جم گفت: گزاشی در دست‌و‌کار پلیس قرار گرفت مبنی براین‌که یکی از ارادل و اوباش محله نارمک مدتی است پس از شرب‌خمر، خودروهای سواری پارك شده در خیابان را تخریب می‌کند. سرانجام در محله نظام‌آباد شناسایی و بازداشت شدو به جرایمش اعتراف کرد.

قتل زن روستایی به خاطر طلا

زن ۶۰ ساله در نبود شوهرش در خانه روستایی از سوی فرد یا افرادی به انگیزه سرقت طلاهایش به قتل رسید. علی‌اکبر قنبرزاده، دادستان عمومی و انقلاب گمیشان به ایرنا گفت:صبح یکشنبه مردی با پلیس تماس گرفت و از قتل همسر ۶۰ ساله‌اش در خانه روستایی خبر داد. با تحقیق از شوهران زن معلوم شد‌او صبح برای خواندن نماز به مسجد روستا رفته و زمانی که بازگشته با جسد همسرش و نیز سرقت طلاهایش رو به رو شده است.

کشف ۵۷ هزار عدد مواد محترقه

پلیس ۵۷ هزار و ۶۰۰ عدد مواد محترقه را که در اتوبوسی جاسازی شده بود، کشف کرد.

سردار مهدی محمودی، فرمانده انتظامی استان قزوین به سایت پلیس گفت: ماموران یگان امداد شهرستان البرز هنگام گشت‌رئی در آزادراه قزوین- کرج به خودروی اتوبوسی مشکوک و آن را متوقف کردند. در بازرسی از اتوبوس تعداد ۵۷ هزار و ۶۰۰ عدد مواد محترقه خارجی قاچاق کشف و راننده بازداشت شد. این محموله قبل از رسیدن به تهران متوقف شد.

بازی مرگبار کودک

با کارد میوه خوری

پسر شش ساله هنگام بازی در خانه بود که با ضربه کارد میوه‌خوری به گلویش زخمی شد و فوت کرد. به گزارش جام‌جم، ساعت ۲۲ و ۲۸ دقیقه شنبه یکی از ماموران کلانتری جوادیه با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از مرگ مشکوک پسر شش ساله‌ای به نام آریین در بیمارستان خبر داد. در این مرحله پسر کودک به افسر تحقیق گفت: پسرم بازیگوش بود و زیاد شیطنت می‌کرد. شب حادثه کارد میوه‌خوری‌ای را از آشپزخانه برداشت و با آن بازی می‌کرد که روی زمین افتاد و کارد به گلویش اصابت کرد و باعث مرگ پسرم شد.

آخرین وضعیت

حادثه کشتی سانچی

سختگوی شرکت ملی نفتکش درباره آخرین وضعیت حادثه کشتی سانچی گفت هیچ ادله و برهانی وجود ندارد که کسی در حادثه سانچی زنده مانده باشد. همه فوت شده‌اند.

به گزارش ایسنا، محسن بهرامی، سخنگوی شرکت ملی نفتکش در سالگرد کشته‌شدگان حادثه کشتی سانچی گفت: شامگاه ۱۶ دی سال گذشته کشتی سانچی با یک کشتی فله‌بر به اسم کریستال تصادف کرد و آتش گرفت.

تیم بررسی این حادثه اعلام کرد خطای انسانی دو سمت حادثه عامل تصادف بوده است. وی افزود: هیچ ادله و برهانی وجود ندارد که کسی در حادثه سانچی زنده مانده باشد. آنها فوت شده‌اند.

کشتی نفتکش سانچی در آب‌های شرقی دریای چین در حالی که سرنشینان آن ۳۰ خدمه ایرانی و دو بنگلادشی بودند، در ۳۰ کیلومتری ساحل شانگهای با کشتی فله‌بر چینی «کریستال» برخورد کرد و بعد از آتش گرفتن غرق شد.



نداشته و تنها چند واحد مسکونی شهرستان دچار خسارت‌های جزئی شده است. همچنین دکتر پیرحسین کولیوند، رئیس سازمان اورژانس کشور نیز گفت: در این زلزله ۳۱ نفر مصدوم شده‌اند که ۲۹ نفر از آنها سربایی در بیمارستان درمان شدند و دو نفر دیگر همچنان بستری هستند.

شهرهای عراق این زلزله احساس شده است. همچنین پس لرزه‌هایی با قدرت بیش از ۳/۵ ریشتر در منطقه رخ داده است. کوروش محمودیان، فرماندار گیلانغرب گفت: پس از وقوع زلزله دو تیم از هلال احمر برای ارزیابی به روستاهای نزدیک به کانون زلزله اعزام شدند. افرادی مصدوم شده‌اند. به گزارش واحدهای ارزیابی، این زلزله تخریبی

کلاهبرداری ۵۰۰ میلیون تومانی به نام انجمن ام اس

۵۰۰میلیون تومان را به حساب بانکی دو مرد واریز کردم. بعد از آن دیگر خبری از آنها نشد. گمان می‌کنم همه آنها با هم همدست بوده اند تا از من کلاهبرداری کنند.

با این شکایت بود که پلیس جست‌وجو برای دستگیری کلاهبرداران فراری را آغاز کرد. در جریان تحقیقات معلوم شد حساب بانکی که پول‌ها واریز شده مربوط به دو مرد ایرانی مقیم آلمان بوده که برادر هستند و مدتی است به ایران آمده‌اند. ماموران به تعقیب دو کلاهبردار پرداختند و دو روز پیش متهمان را که سی‌و‌اش و آتس‌اپ با من حرف زد و مدعی بود در آلمان زندگی می‌کند و می‌تواند شرایط مهاجرت‌م را در

سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای

و دوستی‌مان شکل گرفت. مرجان پس از دوستی درباره انجمن‌شان با هدف حمایت از بیماران ام‌اس در کشور آلمان و رایگان بودن هزینه دارو و درمان در این کشور تبلیغ کرد.

وی افزود: دو زن جوان با عنوان کمک و گرفتن ویزا برای مهاجرت با من حرف زدند و سرانجام مرا وسوسه کردند تا هم برای کمک به انجمن حمایت از بیماران ام‌اس همراهی‌شان کنم و هم این که شرایط مهاجرت‌م را فراهم می‌کنند. آنها مدتی بعد مرا با مرد جوانی آشنا کردند. آن مرد با شماره تلفن کشور آلمان از طریق واتس‌اپ با من حرف زد و مدعی بود در آلمان زندگی می‌کند و می‌تواند شرایط مهاجرت‌م را در آن کشور فراهم کند. آنها فریبم دادند و من

دو برادر مقیم آلمان که با راه‌اندازی یک کانال تلگرامی به بهانه کمک به انجمن حمایت از بیماران ام‌اس و مهاجرت از مردم کلاهبرداری می‌کردند، هنگام ورود به پایتخت بازداشت شدند.

به گزارش جام‌جم، چندی پیش زنی با حضور در پلیس فتای تهران بزرگ از دو زن و یک مرد به اتهام کلاهبرداری ۵۰۰ میلیون تومانی شکایت کرد.

شاکی به افسر تحقیق گفت: در یک کانال تلگرامی که به نام انجمن حمایت از بیماران ام‌اس ثبت شده بود، عضو شدم. در جریان عضویت‌م در این کانال بود که با دو زن جوان به نام‌های مرجان و سمیه آشنا شدم

قتل به خاطر حسادت‌های مقتول



وی افزود: در این مدت چند بار خواب مقتول را دیدم که ناراحت بود و سرش را به زمین دوخته بود، مدام می‌گفتم دعوا را شروع کردی و باعث شدی من تو را بکشم. بعد از مراسم خاکسپاری مقتول مخفیانه سرخاکش رفتم. در خانه اجاره‌ای را ماهدشت بودم که تصمیم گرفتم بعد از سالگرد مرگ پسر عمویم، به کلانتری بروم و تسلیم شوم و خانواده‌ام و بزرگ‌های فامیل برای رضایت نزد آنها بروند. به همین خاطر به خانه فامیلمان که مدتی نزد او بودم و خودش تحت تعقیب پلیس بود رفتم و مهمانش شدم و می‌خواستم دوباره مدتی نزد او بمانم که پلیس آمدو هردو بازداشت شدیم.

با اعتراف عامل جنایت، او با دستور قضایی برای ادامه تحقیقات و بازسازی صحنه قتل در اختیار ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

انکار قاتل مسلح به جنایت

این همه بلا سرم نمی‌آمد. پدرم معتاد بود و اصلاً نمی‌دانم کجاست. مادرم را هم از دو سالگی ندیده‌ام و نمی‌دانم کجا زندگی می‌کند. من تا نوجوانی با مادر پرزگم زندگی می‌کردم و بعد هم برای کار کردن به تهران آمدم که همین باعث شد گرفتار خلاف شوم.

با مقتول اختلاف داشتی؟

بله. اختلاف‌مان مالی بود. چندی پیش او صد میلیون تومان از دایی‌ام پول قرض گرفت، اما نتوانست در زمان مشخص آن را پرداخت کند. به خاطر رفاقتی که با مقتول داشتم و با توجه به اصرار و خواهش دختر خاله‌ام، من بدهی صد میلیون تومانی دایی‌ام را بابت آنها پرداخت کردم. بعد قرار شد شوهر دخترخاله‌ام پول‌م را بپردازد که فقط ۲۵ میلیون تومان آن را، آن هم طی چند ماه پرداخت کرد. آخر هم قرار شد ۳۵ میلیون تومان از آن بدهی را بمقتول و ۴۰ میلیون تومان آن را برادرش بپردازد.

از روز حادثه بگو؟

با دختر خاله‌ام تماس گرفتم که شوهرش فعلاً توانسته ۹ میلیون تومان فراهم کند، با شوهرش برای دریافت این مبلغ تماس بگیرم که قبول کرد. آن روز با مقتول که تماس گرفتم از من خواست به حوالی اتوبان خلیج فارس و اتوبان آزادگان بروم تا پول را بگیرم. برای انجام کاری به جای دیگری رفته بودم که با تماس مقتول برای دیدن او رفتم تا در همان جابجشی از بدهی

مادر مقتول: قاتل دامادم است نه پسرم

زنی که دوازده سال قبل جسد پسرش را در چاه حیاط خانه دفن کرده بود، مدعی شد که قاتل پسر بازداشت شده‌اش نبوده و قاتل، داماد خانواده است.

به گزارش جام‌جم، اوایل سال گذشته زنی در تماس با پلیس تهران خبر داد که مرد جوانی سال ۸۵ از سوی برادرش و داماد خانواده‌شان به قتل رسیده و آنها جسد او را در چاه دفن کرده‌اند. در جریان این تماس بود که ماموران برای بررسی ماجرا به خانه مورد نظر در یکی از محله‌های پایتخت رفتند. مادرو دختری ساکن آنجا بودند که در تحقیقات اولیه پلیسی مدعی بودند تماس گیرنده دروغ گفته و در خانه آنها قتلی رخ نداده است. تحقیقات نشان می‌داد این خانواده پسری به نام میثم داشته‌اند که به‌طور مشکوکی ناپدید شده و خانواده درباره او اظهار بی‌اطلاعی کردند.

موضوع مشکوک به نظر می‌رسید، به همین خاطر ماموران آتش‌نشان با هماهنگی قضایی وارد این خانه شدند و چاه داخل حیاط را تخریب کردند و تکه‌هایی از استخوان مردی را در آنجا یافتند. با توجه به این‌که احتمال می‌رفت این استخوان‌ها متعلق به پسر گمشده این خانواده باشد، قرار شد آزمایش‌های دی‌ان‌ای در این باره انجام گیرد. سرانجام وقتی معلوم شد که استخوان‌ها متعلق به پسر خانواده، میثم، است، مادرو خواهر مقتول مورد بازجویی قرار گرفته و گفتند که از ماجرای قتل با خبر بودند اما خودشان قاتل نیستند.

خواهر مقتول به افسر تحقیق گفت: زمستان ۸۵ زمانی که به خانه بازگشتیم، او پتویی رویش انداخته و در اتاق بود. گمان کردم خوابیده اما زمانی که صدایش زدم جوابی نداد، پتو را کنار زدم که دیدم با ضربه‌های چاقو کشته شده‌است. خیلی ترسیده بودیم، داماد و برادرمان از ترس، جسد او را در چاه حیاط خانه دفن کردند. در این سال‌ها پدرمان فوت شد و این را زمین‌مان ماند. داماد و برادر م، به افغانستان رفتند و ما با برادر کوچکمان زندگی می‌کردیم.

مادرو ی نیز گفته‌های او را تائید کرد و گفت که بابت قتل پسرشان از کسی شکایت ندارد. این در حالی بود که در جریان تحقیقات معلوم شد که میثم با برادرش و دامادشان که به افغانستان رفته، اختلاف داشته و میثم از سوی آنها به مرگ تهدید شده بوده و آن دو بعد از فرار اعضای خانواده را تهدید کرده بودند که اگر شکایت کنند بلایی سرشان می‌آورد.

با توجه به این‌که مادر مقتول شکایتی نداشت، اما با شکایت دادستان علیه برادر متهم که در ایران بود و برادر و شوهرخواهر مقتول که به افغانستان رفته بودند پرونده به جریان افتاد و کیفرخواست صادر شد. این در حالی بود که یکی از برادران مقتول بازداشت شده بود.

روز یکشنبه تنها متهم پرونده در شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. ابتدا نماینده دادستان به تشریح کیفرخواست پرداخت و سپس مادر مقتول در جایگاه قرار گرفت؛ من شکایتی مطرح نکردم چرا پسرم را بازداشت کردید، او تنها نان‌آور خانه بود. من، دخترم و سه فرزند پسرم بی‌سرپرست شدیم و نانی برای خوردن نداریم چون پسرم برادرش را نکشته است. ما شکایتی نداریم اصلاً. خیر هم نداریم چه کسی او را کشته است.

شاید داماد دست به این جنایت زده باشد که او هم فراری است. آن روز که جسد پسرم را یافتیم از ترس این‌که اعضای خانواده بازداشت شوند، جسد را دفن کردیم. وی افزود: ما مشکل مالی داشتیم و دامادم می‌گفت به شوهرم بگویم زمین‌هایش را بفروشد تا مشکل همگی حل شود. میثم مخالفت می‌کرد و من فکر می‌کنم به همین خاطر دامادم قاتل باشد.

بعد از ثبت اظهارات این زن، چون شهود در جلسه محاکمه حاضر نبودند، جلسه رسیدگی به این محاکمه به روز دیگری موکول شد.

را دریافت کنم. او همراه فرزند خردسالش، پسرعمه‌اش و مرد غریبه‌ای آمده بود.

درگیری همانجا رخ داد؟

من او را نکشتم. زمانی که از خودروی پژو ۲۰۷ پیاده شدم و مقتول و همراهانش قلهو سنگ‌هایی را از روی زمین برداشتند و به سمت پرتاب کردند که شیشه‌های عقب و جلوی خودرویم شکست. بعد من و مقتول با هم درگیر شدیم که او به کناری پرت شد. چاقویی که همراه داشتم تا او را بترسانم به زمین افتاد و کلتی که همراه مقتول بود هم به سمتی افتاد. آمدم کلت او را بردارم که موفق نشدم و پسرعمه مقتول آن را برداشت. او سلاح را سمت من نشانه گرفت تا مرا به قتل برساند که جلو رفتم و با دست‌مان نوک سلاح کلت را گرفت‌م تا سمتم شلیک نکنند. در همین جدال بود که سمتی پرت شدم. پسر عمه مقتول سلاح را برداشت و به سمتم شلیک کرد تا مرا بکشد که مرد جوان را کشت.

با همخانه‌ات که متهم به قتل است، چطور آشنا شدی؟

بعد از این‌که متواری بودم و مخفیانه زندگی می‌کردم او که از اقوام ناتنی پدری‌ام بود، سراغم آمد. بعد از گفت‌وگو با او و گفتن ماجرای رخ داده، کلید خانه‌ام را در تهران به او دادم و خواستم که با ورود به آنجا ۲۰۰ عدد گوشی تلفن همراه آیفون را که در آنجا بود به پاساژی در تهران ببرد و بفروشد. او طبق خواسته‌ام عمل کرد و با برداشتن گوشی‌های آیفون ۲۰۰ عدد بیود آن را فروخت و پول آن را برابرم آورد. چند روزی نردم بود و بعد رفت.



بعد چه شد؟

چند ماه بعد از آن ملاقات او سراغم آمد و بعد از گفت‌وگو با من متوجه شدم که در جریان درگیری با پسر عمویش او را با ضربه چاقو کشته و پلیس در تعقیبش است. من هم به خاطر این‌که او در فروش گوشی‌ها به من کمک کرده بود، اجازه دادم نردم بماند. هفت ماه در خانه‌ام بود و با هم همخانه بودیم. بعد از مدتی او رفت و در شهر دیگری برای خودش خانه‌ای اجاره کرد. آن شب که من دستگیر شدم او مهمانم بود و دوباره می‌خواست مدتی نردم بماند که ماجرا لو رفت و او هم بازداشت شد. آن شب به دروغ به ماموران گفتیم که همدیگر را نمی‌شناسیم و فقط همخانه‌ایم.

متهم:

پسرعمه مقتول

قاتل است، من بی‌گناهم